

مالکیت دولت نسبت به آبهای عمومی و اراضی وابسته به آن

چکیده: اموال عمومی و دولتی در علم حقوق از دیدگاه متفاوت قابل بررسی و امانان نظر می‌باشند. از دیدگاه حقوق خصوصی، به عنوان قسمی از اموال در حقوق مدنی مورد توجه قرار می‌گیرند و بحث مهمی از حقوق اموال را تشکیل می‌دهند و از منظر حقوق عمومی نیز این دسته از اموال به عنوان یکی از منابع عمده تأمین هزینه‌های دولت مورد عنایت قرار می‌گیرند به همین دلیل در حقوق مالی جایگاه ویژه‌ای به آنها اختصاص داده می‌شود. با اینحال در فقه و به تبع آن حقوق موضوعه حتی بعضی از مبانی بحث راجع به اموال عمومی و دولتی روشن نشده است. از جمله ابهاماتی که در این رابطه وجود دارد، در خصوص تمایز بین دو مفهوم «مشترکات عمومی» و «انفال» و تعیین آثار هر یک از دو نوع اموال می‌باشد. در مقاله حاضر، سعی شده است که مرز بین این دو مفهوم اساسی در رابطه با «آبهای عمومی» و «اراضی وابسته به آن» یعنی بستر، اراضی مستحده و حریم ترسیم شود.

«حقوق آب» به عنوان یکی از رشته‌های حقوق، اگرچه از قدمت چندانی برخوردار نیست، لیکن با همین عمر کوتاه به صورت درخت تنومندی جلوه‌گر شده است. به همین علت است که اگر از همین ابتدا نسبت به تدارک شالوده‌ای استوار برای این رشته از حقوق اقدام نشود و اقدامی هماهنگ و متناسب با سایر رشته‌های حقوقی در کشور طرح‌ریزی نگردد، متأسفانه باید گفت چندان نمی‌بایست به آینده آن چشم امید دوخت.

یکی از اقداماتی که در این خصوص لازم است، بررسی هماهنگی قوانین موضوعه و فقه در این باره است. بحث مالکیت آبهای عمومی و امکان دخالت دولت در این رابطه از مباحث مطرح فقه بوده و است. در این مقاله به جهت رعایت اختصار سعی شده است در حد آشنایی با اصطلاحات فقهی رایج در این خصوص مطالبی عرضه شود. فراموش نکرده‌ایم که شورای نگهبان یکی از ایرادات قابل تأملی که به قانون توزیع عادلانه آب وارد نمود در خصوص لزوم ذکر تعاریف اصطلاحات فقهی و حقوقی در قانون بود. براساس نظریه این شورا: «تعاریف و اصطلاحات فنی و عناوین قانونی اگر مبین نباشند تصویب قانون مفهوم صحیح و معنای معقولی پیدا نمی‌کند و ایكال این تعاریف به پس از تصویب قانون و آئین‌نامه‌ای که بعداً تصویب خواهد شد مصوبه را غیرمعتبر و اظهار نظر درباره آن را از لحاظ انطباق با موازین شرعی و قانون اساسی غیرممکن می‌سازد. اولین چیزی که رکن اساسی هر حکم و قانون است موضوع آن است که حکم و قانون بدون مشخص بودن موضوع آن در نظر حاکم و قانونگذار حکم بلاموضوع است [...] این اصطلاحات و عناوین اگر احتیاج به تعریف دارد چنانکه در طرح فرض شده است باید قبلاً مانند مصوبه معادن در طرح مذکور و کل طرح با توجه به آن تعاریف به تصویب برسد و اگر احتیاج به تعریف ندارد پس واگذاری آن به آئین‌نامه مفهومش واگذاری اختیار و کوتاه کردن یا گسترش دادن موضوع حکم و مفهوم مشخص این اصطلاحات و عناوین به هیأت وزیران است و چون ملاً قانونگذاری است، با اصل ۸۵ قانون اساسی مغایرت دارد.» (۱) در این مقاله نخست از مالکیت آبهای عمومی گفت‌وگو خواهیم کرد (مبحث اول)، آنگاه به بررسی وضعیت حقوقی اراضی وابسته به آبهای عمومی خواهیم پرداخت (مبحث دوم).

مبحث اول : مالکیت آبهای عمومی

می‌دانیم که مالکیت آبهای عمومی، از دیرباز مورد اختلاف فقها بوده است. در احادیث شیعه کمتر ذکری از آبهای عمومی به عنوان انفال به عمل آمده است. حدیثی که در آن به آبهای عمومی توجه شده و در کتب فقهی مورد تمسک واقع شده است، حدیثی از امام صادق (ع) است که پنج رود فرات، دجله، نیل مصر، مهران و نهر بلخ و هر چیزی

که به وسیله آنها مشروب می‌شود را از آن امام دانسته است. (۲)

شاید به استناد همین حدیث و احادیث عام دیگری که کل دنیا را متعلق به امام می‌دانند باشد که در بعضی از کتب فقهی به انفال بودن آبهای عمومی فتوی داده شده است. شیخ مفید که از فقهای مشهور نسل اول فقه شیعه است، همچنین ابوالصلاح از جمله فقیهانی می‌باشند که دریاها را از مصادیق انفال شمرده‌اند. (۳)

بعضی از فقهای معاصر ضمن اینکه صریحاً به انفال بودن دریاها، رودخانه‌ها و نهرهای بزرگ و همچنین آبهای زیرزمینی حکم نموده‌اند، اضافه کرده‌اند که عدم ذکر دریاها در اخباری که ناظر به تعیین موارد انفال می‌باشد به این جهت است که در عصر ائمه (ع)، این موضوع چندان مورد ابتلاء نبوده است، و این در حالی است که در عصر حاضر دریاها مورد توجه و اهتمام همه دولتها قرار گرفته و از آنها استفاده‌های گوناگونی از قبیل صید، استخراج جواهر و معادن و نیز احداث راههای دریایی صورت می‌گیرد. (۴)

در بعض کتب فقهی معاصر به انفال بودن «شطوط الانهار» تصریح شده است. (۵)

شایسته ذکر است که شورای محترم نگهبان ضمن یکی از ایرادات ماهوی که نسبت به قانون توزیع عادلانه آب به عمل آورد، چنین اظهار نظر نمود: «اینکه آبها را از انفال ذکر نموده شرعاً صحیح نیست و پیشنهاد می‌شود نوشته شود: «از مشترکات است و در اختیار دولت.» (۶) درست است که اصل ۴۵ قانون اساسی، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی را جزء انفال و ثروتهای عمومی قلمداد نموده و در کنار «انفال»، عبارت «ثروتهای عمومی» اضافه کرده است، با این حال باید دانست که مفهوم «مشترکات عمومی» با دو مفهوم «انفال» و «ثروتهای عمومی» متفاوت است. (۷)

از آن گذشته کسانی که در فقه آبهای مباح را از مشترکات عمومی می‌دانستند، صریحاً حکم نموده‌اند که هر کس در استفاده از آنها بر دیگری پیشی گیرد نسبت به آن حق اولویت پیدا می‌کند و چنانچه نیت تملک داشته باشد مالک آن می‌گردد (۸) و از این جهت کاملاً از انفال ممتاز می‌گردد. با همه این موارد، با توجه به اینکه علی‌رغم مشترکات عمومی محسوب نمودن آبهای مشمول قانون توزیع عادلانه آب، شورای نگهبان همان احکام انفال را برای این آبها پذیرفت. در حال حاضر بحث پیرامون این مطلب چندان فایده عملی ندارد، اگرچه محتمل است که در آینده باب اختلاف در این

خصوص از نوگشوده شود.

در حقیقت، اکنون در حقوق موضوعه مالکیت دولت بر آبهای عمومی محرز است. اگرچه براساس مواد ۱۶ و ۱۴۹ به بعد قانون مدنی، آبهای عمومی جزء مباحات قلمداد شده‌اند، ولی با تصویب قانون حفظ و حراست منابع آبهای زیرزمینی کشور مصوب دهم خرداد ماه ۱۳۴۵، حفر چاه و قنات تحت نظارت وزارت آب و برق قرار گرفت. دایره نظارت دولت بر آبهای عمومی به موجب قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷/۵/۷ گسترش یافت و در قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ به اوج خود رسید. براساس ماده ۱ قانون اخیر، «آبهای دریاها و آبهای جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی، و سیلابها و فاضلابها و زه‌آبها و دریاچه‌ها و مردابها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آبهای معدنی و منابع آبهای زیرزمینی از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آنها بهره‌برداری می‌شود. مسؤلیت حفظ و اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آنها به دولت محول می‌شود.» همین مالکیت دولتی نسبت به آبهای عمومی است که در پیش‌نویس لایحه پیشنهادی دولت تحت عنوان «ممنوعیت دخل و تصرف در بستر و حریم آبهای عمومی و نحوه جلوگیری از تجاوز به آنها» به طرز خاصی مورد تأکید قرار گرفته است.

مبحث دوم: مالکیت اراضی وابسته به آبهای عمومی

در قوانین راجع به آب، سه دسته دیگر از اموال دولتی (به جز آبهای عمومی) پیش‌بینی می‌شوند: ۱. بستر آبهای عمومی ۲. اراضی مستحده ساحلی ۳. حریم آبهای عمومی. در رابطه با بستر آبهای عمومی اختلاف نظرهای موجود در فقه و حقوق تابع اختلاف بینشهایی است که در خصوص ملکیت خود آبهای عمومی وجود دارد. با این حال به علت غلبه آب بر بستر و اینکه امکان انتفاع از بستر وجود نداشته سابقاً در فقه به موات و در نتیجه انفال بودن بستر حکم شده است. (۹) در خصوص اراضی مستحده ساحلی بحث روشن‌تر است و در بعضی از کتب فقهی صریحاً به انفال بودن اراضی ساحلی فتوی داده شده است. (۱۰)

در قوانین موضوعه، دولتی بودن این اراضی مورد تصریح قرار گرفته، ولی با این حال دستگاهی که به نمایندگی از دولت نسبت به این‌گونه اراضی اعمال حاکمیت می‌نماید کاملاً مشخص نیست و چه خوب است که تکلیف این اراضی از این جهت روشن شود. در حقیقت، با تصویب قانون مربوط به اراضی ساحلی در تاریخ ۱۳۴۶/۵/۳۰ و متعاقب آن قانون اراضی مستحدث ساحلی مصوب ۲۹ تیرماه ۵۴ وظایف و اختیارات مندرج در این قوانین به‌طور خاص متوجه وزارت کشاورزی بوده است.

با تصویب قانون توزیع عادلانه آب در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۶، بر دولتی بودن اراضی ساحلی و اراضی مستحدثه که در اثر پائین رفتن سطح آب دریاها و یا خشک شدن مردابها و باتلاق‌ها پدید آمده‌اند در ماده ۲ آن قانون تأکید شد، ولی این مالکیت مشروط به عدم احیاء این دسته از اراضی قبل از تصویب قانون نحوه احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی گردید. علت این امر این است که از نظر فقهی تا قبل از تصویب قانون نحوه احیاء به وسیله شورای انقلاب، و خصوصاً قبل از تأسیس حکومت اسلامی، احیاء این دسته از اراضی براساس حکم فقهی: «من احیی ارضاً میتة فهی له» موجب ملکیت می‌گردید و پس از این قانون حکومت اسلامی، تملک اراضی موات را قاعده‌مند ساخته است. به همین جهت اگرچه چنین تملکاتی برخلاف قوانین حاکم در زمان تملک صورت گرفته، ولی چون منطبق با این دیدگاه فقهی بوده است، ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب، به چنین تملکاتی وجهه قانونی داده و آنها را به رسمیت شناخته است. بدیهی است تمام اراضی ساحلی مستحدثه که تا زمان تصویب قانون نحوه احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی احیاء نشده‌اند، در اختیار حکومت اسلامی می‌باشند.

با این حال، در این قانون از ذکر دستگاه اجرایی متصدی این امر (وزارت کشاورزی یا وزارت نیرو) خودداری شده و بنابراین وجود اختیارات و وظایف وزارت کشاورزی که در قانون اراضی مستحدث ساحلی منظور شده است برای این وزارتخانه استصحاب می‌گردید. با تصویب قانون تفکیک وظایف وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی در تاریخ ۶۹/۶/۱۱، کلیه امور مربوط به حفظ، احیاء و گسترش و بهره‌برداری از منابع طبیعی (جنگل، مرتع و شیلات، آبخیزداری) برعهده جهادسازندگی قرار گرفت و این بحث مطرح شد که آیا اختیارات و وظایف وزارت کشاورزی مندرج در قانون اراضی

مستحدث ساحلی به عنوان قانون خاص به قوت خود باقی است و یا این اختیارات و وظایف نیز به علت اینکه ناظر به قسمی از منابع طبیعی می باشد به وزارت جهاد سازندگی منتقل شده است. به علت وجود این ابهامات است که پیشنهاد می شود تکلیف این دسته از اراضی در قوانین موضوعه روشن شود.

در رابطه با حریم، با توجه به پراکندگی قوانین در این باب، توقع بیشتری وجود دارد تا به مناسبت تصویب این گونه لوایح، مقررات هماهنگ و دقیقی پیشنهاد گردد. وفق ماده ۱۳۶ قانون مدنی، «حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.» در مواد ۱۳۷ و ۱۳۸ آن قانون، حریم چاه آب خوردن، چاه آب برای زراعت، چشمه و قنات تعیین و در ماده ۱۳۹، حکم تصرفات در حریم بیان شده است.

قوانین متعدد دیگری نیز در این زمینه به تصویب رسیده است. از آن جمله است قانون تعیین حریم دریاچه احدائی در پشت سدها مصوب ۲۷ تیر ۱۳۴۴، ماده ۳ قانون مربوط به اراضی ساحلی مصوب ۱۳۴۶/۵/۳۰ و متعاقباً بند د ماده ۲ قانون اراضی مستحدث ساحلی مصوب ۲۹ تیر ۱۳۵۴ ناظر به تعیین حریم دریای خزر، دریاچه رضائیه (ارومیه)، خلیج فارس و دریای عمان، تصویب نامه مورخ ۱۳/۹/۱۳۵۰ و متعاقباً آئین نامه مورخ ۱۳۵۳/۲/۸ مربوط به تعیین بستر و حریم رودخانه ها و انهار و مسیله ها و شبکه های آبیاری. این چنین است تبصره ۱ ماده ۱ لایحه قانونی مالکیت و بهره برداری از اراضی واقع در آبخور سد دز مصوب ۵۸/۷/۱ در رابطه با حریم شبکه های آب. از آخرین مقرراتی که در این خصوص به تصویب رسیده است، تبصره ۱ و ۲ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب ناظر به نحوه تعیین حریم رودخانه ها، انهار طبیعی، مسیله ها، مرداب ها، برکه های طبیعی، مخازن و تأسیسات آبی و همچنین کانالهای عمومی آبرسانی و آبیاری و زهکشی اعم از سطحی و زیرزمینی می باشد. به استناد تبصره یک مذکور، آئین نامه نحوه تعیین حد بستر و حریم رودخانه ها و انهار و مسیله ها و مرداب ها و برکه های طبیعی در مورخ ۱۳۷۰/۴/۱۲ به تصویب رسیده است.

در پیش نویس لایحه ممنوعیت دخل و تصرف در بستر و حریم آبهای عمومی، تنها مطلبی که در رابطه با تعیین حریم دیده می شود، مطلب موضوع ماده ۱۲ می باشد.

براساس این ماده، «وزارت نیرو مکلف است ظرف مدت دو سال نسبت به تعیین بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار طبیعی مهم و پیاده کردن آن روی زمین اقدام نماید.» سازمان برنامه و بودجه مکلف به منظور نبودن اعتبارات لازم در این رابطه شده است. در این خصوص شایسته ذکر است مهلت دو ساله پیش‌بینی شده در این ماده، با توجه به حجم کار، کافی به نظر نمی‌رسد و به جای اصلاح قانون، خصوصاً در رابطه با پیش‌بینی اعتبارات در سالهای بعد، مناسب است که از هم‌اکنون مهلت کافی منظور شود.

زمانی که بحث مالکیت آبهای عمومی و اراضی وابسته به آن مطرح می‌شود، بعضی از مسائل به صورت فرعی در همین رابطه قابل تأمل می‌باشند. یکی از این مسائل، بحث مسؤلیت مدنی دولت در رابطه با خسارات جانی و مالی ناشی از عدم مواظبت از آبهای عمومی و اراضی وابسته است. این موضوع در پیش‌نویس لایحه مذکور مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۱۱ این لایحه مطلب قابل تعمقی در رابطه با مسؤلیت مدنی دولت (به‌طور خاص وزارت نیرو) بیان شده است. براساس این ماده، چنانچه اشخاص به علائم هشداردهنده منصوبه توسط وزارت نیرو در کنار دریاچه سدها و کانالهای انتقال آب توجه نکنند، وزارت نیرو و کارکنان آن مبری از مسؤلیت می‌باشند. در این خصوص حکم ماده ۳۳۳ قانون مدنی وجود دارد که در رابطه با هر تأسیس و هر تغییری که زمین را خطرناک کند (از قبیل چاه و کانال) حکومت دارد. چنانچه تدوین‌کنندگان پیش‌نویس لایحه تصمیم دارند از حکم ماده ۳۳۳ فاصله بگیرند، شایسته است ماده ۱۱ را روشتر بیان کنند.

مطلب دیگر، راجع به جلوگیری از تصرف اراضی وابسته به آبهای عمومی به وسیله افراد است. ماده یک پیش‌نویس لایحه فوق‌الذکر ضمانت اجرای کیفری و مدنی چنین تصرفاتی را اعلام می‌دارد. در خصوص این ماده، شایسته است متن به نحوی تدوین شود که معلوم گردد ضبط و مصادره درآمد، منافع و اموال فقط در مورد تکرار جرم مورد حکم واقع می‌شود و یا در رابطه با اولین جرم ارتكابی نیز ضبط اموال به عنوان مجازات مالی مطرح است. در ماده دو، درباره تصرفات دستگاههای اجرایی و عمومی ذکری به میان آمده است. با این حال، در این ماده از بعضی از دستگاههای اجرایی به صورت حصری (و نه تمثیلی) نام برده شده و این در حالی است که در خصوص سایر دستگاهها

همچون وزارت نفت موضوع مسکوت مانده است. از طرف دیگر، حتی در موارد ضروری نیز هیچ‌گونه اختیاری برای سایر دستگاههای اجرایی منظور نشده است و این در حالی است که این دستگاهها ملزم‌اند در بعضی موارد یا اقدام به احداث تأسیسات نموده و یا مجوز لازم صادر کنند. از این قبیل است دیواره‌های ساحلی که برای محافظت از اراضی کشاورزی با مجوز وزارت مربوطه ایجاد می‌گردد و یا وظایفی که براساس ماده ۴ قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ به عهده این وزارتخانه گذاشته شده است. اختیارات سایر دستگاهها در بعضی دیگر از مواد لایحه پیشنهادی نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان از ماده ۱۰ لایحه نام برد که ظاهر عبارت آن مخالف اختیاراتی است که وزارت کشاورزی در زمینه توزیع آب کشاورزی دارد. در حقیقت همانطور که می‌دانیم این وزارتخانه در قوانین مختلف دارای بعضی از اختیارات در رابطه با آب کشاورزی بوده است و در این خصوصی می‌توان از مواد ۱۸، ۱۹، تبصره یک ماده ۲۱، ماده ۲۲ و مواد ۲۵ و ۲۶ قانون توزیع عادلانه آب نام برد.

درباره مواد دیگر این لایحه که در زمینه تصرفات غیرقانونی افراد در آبهای عمومی و اراضی وابسته تدوین شده‌اند، به جهت رعایت اختصار به ذکر دو نکته بسنده می‌کند. اولین مطلب در خصوص ماده ۳ و نحوه قلع و قمع اعیانی موجود در بستر و حریم آبهای عمومی و پرداخت خسارت است. در این مورد باید گفت با وجود تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۲ و مواد ۴۳ و ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب و از طرفی حساسیت شورای نگهبان در این خصوص (۱۱) معلوم نیست تا چه حد ماده ۳ لایحه پیشنهادی در راستای هدف مورد نظر تدوین‌کنندگان به تصویب و تأیید برسد. نکته دوم در رابطه با ماده ۵ لایحه پیشنهادی است. در این خصوص شایسته است در رابطه با اشخاص خصوصی پیش‌بینی آئین‌نامه خلافی گردد تا این‌گونه اشخاص که اقدام به آلوده نمودن آبهای عمومی از طریق انداختن زواید منازل و مصارف شخصی می‌نمایند به پرداخت جریمه‌ای به مراتب کمتر از جریمه پیشنهادی در ماده ۵ محکوم شوند که در این صورت برای این قبیل افراد، پیش‌بینی زندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

یادداشتها

۱. شایسته ذکر است که مجلس شورای اسلامی با انجام اصلاح عبارتی در ماده ۵۳ قانون این اشکال ماهوی را مرتفع نمود. به عبارت دیگر برای برطرف ساختن اشکال ماهوی، به اصلاح شکلی دست زد! عبارت ماده ۵۳ قبل از اصلاح به این شرح به تصویب رسیده بود: «تعاریف و اصطلاحات فنی و عناوین مذکور در این قانون و طرز اجرای مفاد آن بر طبق آئین‌نامه‌هایی خواهد بود که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» این ماده به نحو زیر اصلاح شد: «آئین‌نامه‌های اجرایی این قانون، توسط وزارتین نیرو و کشاورزی و عمران روستایی برحسب مورد تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران قابل اجرا خواهد شد». (مهرپور، حسین، مجموعه نظرات شورای نگهبان، ج ۱، ص ۱۹۵ به بعد).
۲. حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۶، باب اول از ابواب انفال، حدیث ۱۸.
۳. منتظری، حسینعلی، کتاب الخمس، انتشارات اسلامی، ص ۳۴۸.
۴. همان، ص ۳۴۹.
۵. امام خمینی، تحریرالوسیله، دارالعلم، ج ۲، ص ۱، ج ۱، ص ۳۶۸.
۶. ر.ک. مهرپور، پیشین، ص ۲۱۲.
۷. در رابطه با مفهوم «اموال و مشترکات عمومی» و تفاوت این دسته از اموال با «اموال دولتی» در علم حقوق، ر.ش. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، اموال و مالکیت، موسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴، ش ۶۳ به بعد.
۸. برای نمونه ر.ک. شهیدین، شرح لمعه، دو جلدی، ج ۲، ص ۲۵۸.
۹. شیخ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، انتشارات مرتضی عالمیه، بیروت، ص ۶۹.
۱۰. برای نمونه ر.ش. محقق حلی، شرایع الاسلام، انتشارات اسلامی ۱۳۷۷، ص ۵۳، مولف در این رابطه عبارت «سیف البحار» به کار می‌برد. همچنین ر.ش. امام خمینی. پیشین.
۱۱. ر.ک. برای نمونه نظر آن شورا راجع به لایحه الحاق دو تبصره به ماده ۴۳ قانون توزیع عادلانه آب مورخ ۱۳/۵/۱۳۶۴: مهرپور، پیشین، ج ۲، ص ۳۰۳. همچنین راجع به ماده ۳ لایحه حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی مصوب ۶۲/۳/۳۱ ر.ش.: مهرپور، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۱. نظر آن شورا راجع به تبصره ماده ۱۷ و بندهای پ، ج، ز و ح ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب نیز در این رابطه قابل ذکر است: مهرپور، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۲ به بعد.